

گزارش مترجم

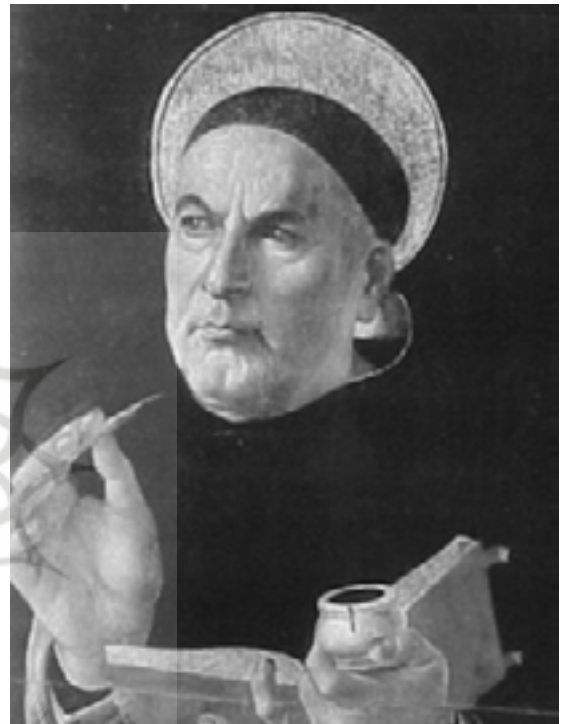
جامع علم کلام و رساله فرشتگان

اثر: توماس آکویناس
ترجمه: علی سنایی

کسانی که فلسفه را به طور جدی دنبال می‌کنند، کمابیش توماس آکویناس را می‌شناسند. او یکی از مهم‌ترین فیلسوفان مسیحی در دوره قرون وسطی است. در سال ۱۲۲۴م. در شهر ناپل روم در یک خانواده اشرافی به دنیا می‌آید و پس از تحصیلات مقدماتی در دیر «بندیکتی مونته کاسینو» به دانشگاه ناپل می‌رود. توماس در سال ۱۳۴۲م. به فرقه دومینیکی^۱ می‌پیوندد و با وجود مخالفتی که خانواده‌اش با این مسئله داشتند، رسماً به سلک اساتید برجسته و تاثیرگذار این فرقه درمی‌آید.^۲

هرچند توماس آکویناس در محافل فلسفی چهره‌ای شاخص است، ولی آثار مهم او به زبان فارسی ترجمه نشده است. او کتابی با نام جامع علم کلام (*Summa Theologica*) دارد که هشت سال برای تقریر و تنظیم آن وقت صرف کرده است. بخش نخست آن در رم، طی سال‌های ۶۹-۱۲۶۵ نوشته می‌شود و بخش دوم آن به سال ۱۲۷۱ در پاریس خاتمه می‌یابد. توماس در سال ۱۲۷۲ به ناپل می‌رود و بخش سوم کتاب را در آنجا به رشته تحریر درمی‌آورد. قسمت‌هایی که در پایان ضمیمه شده، خلاصه‌ای از نوشته‌های دیگر توماس و منسوب به پیتر اهل آرگون^۳ است. البته برخی معتقدند که این بخش توسط پدر رگینالد از اهالی پپرنو^۴ جمع‌آوری می‌شود. از جامع علم کلام ترجمه‌های متعددی صورت گرفته و به چاپ رسیده است. نسخه اصلی این کتاب که در کتابخانه واتیکان موجود است، برای نخستین بار در شهر باسیل سوئیس و در سال ۱۴۸۵م. به زیور طبع آراسته می‌شود.

جامع علم کلام با پشتیبانی لویی شانزدهم از لاتین به فرانسه ترجمه می‌شود. ترجمه انگلیسی اثری که اکنون مورد استناد ماست، با کوشش گروهی از کشیشان دومینیکی بریتانیا در دوره معاصر صورت گرفته است. آن‌ها رساله‌های توماس را به‌دقت ترجمه و تصحیح نموده‌اند و تمام منابعی را که مورد استفاده نویسنده بوده است، در پانویست آورده‌اند. این کتاب مشتمل بر ۳۸ رساله، ۶۱۲ پرسش، ۳۱۲۰ گفتار و ۱۰,۰۰۰ اعتراض است که توماس به هر یک از آن‌ها پاسخ می‌دهد.^۵



هدف از تقریر کتاب

نویسنده از روی فروتنی می‌گوید که این یک کتاب دستی (Manual) و برای استفاده دانشجویان الهیات است. در واقع جامع علم کلام تفسیر و شرحی منظم از الهیات و فلسفه رسمی مسیحیت است. توماس در مقدمه کوتاهی که نوشته است، به مشکلات دانشجویان و تلاش برای رفع آن اشاره می‌کند. او می‌گوید که سؤالات و شبهه‌های متعددی هستند که روزبه‌روز بر حجم آن افزوده می‌شود و اذهان را می‌آشوبد. بنابراین، لازم است که مسائل را با پاسخ‌هایی که از بطن کتاب مقدس استخراج می‌شود، دسته‌بندی کنیم تا این نقیصه برطرف شود.

دسته‌بندی قسمت‌های مختلف کتاب

همان طور که گفتیم جامع علم کلام دارای سه بخش است:

۱. توماس در بخش نخست به مسائلی که در باره ذات خداست، توجه می‌کند و او را آغاز، انجام و خالق همه امور - و مهم‌تر از همه، انسان - می‌داند. مسئله تثلیث و آفرینش مخلوقات از سوی خداوند نیز در زمره موضوعاتی است که او در این بخش بدان پرداخته است.
۲. توماس عنوان «الاهیات اخلاقی» را بر بخش دوم می‌گذارد. از نظر او سعادت نهایی انسان در گرو این است که مسیر هدایت الهی را طی کند و خود را از روی اختیار و اراده به خداوند بسپارد تا در او دخل و تصرف کند. بنابراین، رفتار و عملکرد انسان را بشناسیم تا زمینه‌ای برای پرورش فضائل و دوری از ردائل فراهم شود. این بخش در مرحله نخست، نگاهی کلی به عملکردهای انسان می‌اندازد؛ یعنی، ویژگی‌های فی نفسه آن را مورد

مطالعه قرار می‌دهد و سپس در باره اصول و علل ذاتی و عرضی حاکم بر رفتار بشر سخن می‌راند.^۶ تاثیرپذیری توماس از ارسطو در این‌جا به‌خوبی آشکار است، زیرا تحلیلی دقیق از حرکات ذهنی و قلبی انسان ارائه می‌دهد و نحوه شکل‌گرفتن رفتار را توصیف می‌کند. از نظر توماس برخی از امور، مثل ایمان، عدالت و شهامت اخلاقی شامل حال تمام انسان‌ها می‌شود و برخی نیز مثل توفیق الهی، نبوت و معجزه به روحانیون و کسانی که خود را وقف خدا کرده‌اند، اختصاص می‌یابد.

۳. در بخش سوم این کتاب به مسیح و مواهبی که به انسان ارزانی می‌دارد، پرداخته می‌شود. مسئله تجسد، رستاخیز، کارهای منجی و رنجی که از نظر مسیحیان در بازخريد گناه انسان کشید، موضوعاتی هستند که در این بخش به چشم می‌خورد. به نظر توماس تنها کسانی از نعمت حیات ابدی در بهشت بهره‌مند می‌شوند که با روی آوردن به کلیسا، فیض مستمر روح القدس را دریافت کنند و به عبارت دیگر، در مسیح بزیند و این، یکی از اصول عقاید کاتولیک است.

از جامع علم کلام

ترجمه‌های متعددی

صورت گرفته و

به چاپ رسیده است.

نسخه اصلی این کتاب

که در کتابخانه واتیکان

موجود است،

برای نخستین بار

در شهر باسیل سوئیس و

در سال ۱۴۸۵م.

به زیور طبع

آراسته

می‌شود.

سبک و شیوه توماس در جامع علم کلام

الف- نحوه تقریر: شیوه‌ای که توماس برای نوشتن آثار خود از جمله این کتاب دارد، نشان‌دهنده حضور ذهن و سرعت انتقال اوست. شاگردان توماس به ترتیب می‌نشستند و او به هر یک مطلبی را القا می‌کرد. این‌گونه بود که هم‌زمان چند رساله به رشته تحریر درمی‌آمد. می‌توان گفت که توماس فرصت نمی‌یافت تا بسیاری از نوشته‌های خود را تصحیح و تجدید نظر کند.^۷

ب- نحوه تنظیم مطالب: توماس در جامع علم کلام به صورت موضوعی مباحث مختلف را از هم تفکیک می‌کند. او در رابطه با هر موضوع، بحثی را با نام گفتار (article) باز می‌کند و در ذیل آن سؤالی را به میان می‌کشد و بعد اعتراضات موجود را برمی‌شمارد و آن‌گاه، به نقد و بررسی هر کدام و ارائه نظر خود می‌پردازد. این روند به صورت منظم در سرتاسر کتاب تکرار می‌شود.

ج- خطوط کلی تفکر: توماس با این کتاب پایه‌های الاهیات طبیعی را پی‌ریزی می‌کند. در توضیح الاهیات طبیعی باید به نقش عقل و رابطه آن با ایمان اشاره کرد. او به پیروی از ارسطو بر محدودیتی که عقل بشر دارد، تکیه می‌کند و از این رویه در الاهیات بهره می‌برد. به نظر توماس، آدمی به کنه ذات خدا پی نمی‌برد و باید به امکاناتی که خدا در اختیارش نهاده است، بسنده کند. عقل بدون کمک وحی نه تنها به رستگاری نایل نمی‌شود، بلکه در راه خود با هزاران لغزش و خطا روبرو خواهد شد. به نظر توماس، کار عقل این نیست که خدا را ثابت کند، زیرا ما حقایق ایمانی را بر حسب حجیتی که کتاب مقدس دارد، می‌پذیریم. در مرحله بعد عقل وارد عمل می‌شود و به توضیح، تبیین و دفاع از این حقایق می‌پردازد. تنها عقلی که مقید به وحی شده است، توانایی درک حقایق را دارد و در این مسیر تا بدان‌جا پیش می‌رود که خداوند مقدر کرده باشد.^۸ اگر عقل کمبودهای خود را بشناسد و به حد و مرزی که خدا تعیین کرده است، پای‌بند باشد، ایمان خود را از کف نمی‌دهد و دچار افسار گسیختگی نمی‌شود. روش توماس که از معلول به علت می‌رود، در مقابل رویکرد لمی یا پیشینی آنسلم قدیس قرار می‌گیرد.^۹

د- سبک نوشتاری: توماس واضح، روشن و در کمال ایجاز می‌نویسد. او در بسیاری از موارد به گزینش و غربال کردن استعدادهای محکم دست می‌زند و با آگاهی وسیعی که از متفکران پیش از خود دارد جامع علم کلام را به صورت یک دانشنامه یا دایرةالمعارف فلسفی در می‌آورد. روش او در پرداختن به مسایل هم تحلیلی و هم ترکیبی است و معمولاً در نقد و بررسی نظر دیگران جانب انصاف را از دست نمی‌دهد.

بررسی رساله در باره فرشتگان

در بخش اول کتاب جامع علم کلام که در باره انواع مخلوقات و طبیعت آن‌هاست، صحبت از فرشته به میان می‌آید. توماس رساله‌ای مستقل به فرشتگان اختصاص می‌دهد و به طور مفصل در باره آن‌ها سخن

می‌گوید. البته او خود را به این رساله محدود نمی‌کند و در بخش‌های مختلف کتاب نیز مثل پرسش ۱۰۶ تا ۱۱۴ از بخش اول^{۱۱}، به بحث از فرشتگان و کیفیت وجود آن‌ها می‌پردازد. توجه فراوان توماس به فرشتگان باعث می‌شود که وی را مجتهد الملائکه^{۱۲} بنامند. به نظر می‌رسد بررسی محتوایی رساله فرشتگان خالی از فایده نباشد و خوانندگان فارسی زبان را به مطالعه و تدقیق در این نوشتار ترغیب کند. سعی من این است که مسائل متنوع این رساله را دسته‌بندی کنم و برای هر یک از آن‌ها توضیحی مختصر بیاورم و در پایان نیز به ظرفیتی که بحث فرشتگان در بحث‌های تطبیقی دارد، بپردازم. می‌توان از امکانات بالقوه‌ای که در رساله فرشتگان هست، برای گشودن افق‌های تازه در فلسفه تطبیقی و مقایسه با آنچه فیلسوفان اسلامی در این زمینه دارند، بهره برد.

۱. اثبات وجود فرشته

همان طور که گفتیم از نظر توماس یک دسته از حقایق را باید به لحاظ ایمانی بپذیریم و بعد با عقل به تبیین و تحلیل آن مشغول شویم. باید این روش را در مورد فرشتگان نیز به کار گیریم، زیرا عهدجدید در مورد این مخلوقات به کزات سخن می‌گوید. با این حال، توماس برای اثبات وجود فرشته از یک روش دیالکتیکی که برگرفته از فلسفه ارسطوست، استفاده می‌کند. ارسطو می‌گوید که هر جا بهتری هست، بهتری هم هست^{۱۳} و توماس نیز بر حسب مقایسه‌ای که بین اشیا مادی و انسان انجام می‌دهد، وجود فرشته را برای کامل دانستن عالم لازم می‌داند. اگر خداوند خیر محض است و بر حسب سنخیت بین علت و معلول نظام احسن را می‌آفریند، باید گروهی از موجودات عقلانی هم باشند که از ماده انسلاخ یابند.^{۱۴}

۲. طبیعت فرشته

بناوتورا از فرقه فرانسیسی می‌گفت که تنها خداوند ماده ندارد، ولی سایر موجودات مرکب از ماده و صورت‌اند. البته او بین فرشته و اشیا مادی یک فرق جزئی می‌گذاشت و فرشته را دارای نوعی ماده روحانی می‌دانست. توماس از ماده روحانی نقد می‌کند و آن را نامفهوم می‌داند. از نظر توماس، فرشته صورت محض است و هیچ نشانی از ماده ندارد، ولی از آن جهت که مخلوق خداست، ترکیب وجودی و ماهوی را دارد.^{۱۵}

۳. تمثیل یافتن فرشته

فرشته در برخی از داستان‌های کتاب مقدس خود را برای انسان آشکار می‌کند و آدمی می‌تواند از او تجربه بصری داشته باشد.^{۱۶} برخی با استناد به این نکته، فرشتگان را مادی می‌دانند، زیرا عمل دیدن تنها در رابطه با اشیا محسوس امکان‌پذیر است. توماس در پاسخ می‌گوید که فرشته با نیروی ماورایی خود در ماده تصرف می‌کند و آن را به عاریت می‌گیرد. ماده‌ای که فرشته از طریق آن تمثیل می‌یابد، توانایی انجام فعالیت‌های حیاتی را ندارد.^{۱۷} هدف از آشکار شدن فرشته این است که ایمان بشر را تقویت کند و در مسیر حق و تشبّه جستن به او قرار دهد.

۴. حرکت، مکان‌مندی و کثرت عددی فرشته

حرکت فرشته مستلزم سپری کردن نقاط و تقدم و تأخر بین اجزا نیست، زیرا ماده ندارد. وجود فرشته فعلیت محض است. بنابراین، حرکت آن برای جبران یک نقیصه صورت نمی‌گیرد.^{۱۸} جسم با اندازه و حجم خود مکان را اشغال می‌کند، ولی فرشته این کار را با قدرتی که دارد، انجام می‌دهد و از سوی دیگر، فرشته محیط بر مکان و نه محاط آن است.^{۱۹}

توماس برخلاف بناوتورا تمایز عددی اشیا را به صورت و نه ماده آن‌ها می‌داند. او بر این نکته نیز تاکید می‌کند که فرشتگان تنها به علت فاعلی نیازمندند و بود و نبود آن‌ها به اراده خدا وابسته است، زیرا علل مادی و ماهوی ندارند.^{۲۰}



جامع علم کلام
تفسیر و شرحی منظم
از الاهیات و
فلسفه رسمی
مسیحیت است.

۵. علم فرشته

بحث مفصلی که توماس در مورد علم فرشته دارد، ابتدا بر این سه سؤال متمرکز می‌شود:
الف- آیا عمل شناختن در فرشته به وجودش برمی‌گردد؟ (منشأ شناخت)

ب- آیا موضوع شناخت در فرشته وجودش است؟ (متعلق شناخت)

ج- آیا عمل شناختن در فرشته همان وجودش است؟ (یکی گرفتن عمل شناختن و وجود)

از نظر توماس نحوه وجود فرشته و ماهیت آن مساوی و مساوق با عمل شناختن نیست، زیرا برخی از اعمال، موضوعی بیرونی دارند و برخی نیز معطوف به درون هستند. اگر اراده و شناختن معطوف به درون باشد، می‌توان گفت که با وجود یکی می‌شوند.^{۲۰}

توماس از عقل انسان به Ration و از عقل فرشته به Intellect تعبیر می‌کند. علم فرشته بسیط است، ولی انسان ماده اولیه شناخت را از مجرای بدن و اندام‌های حسی کسب می‌کند و بعد صور اشیا را به صورت تدریجی استخراج می‌کند. معرفت انسان، پراکنده و مستلزم طی کردن یک فرایند تدریجی و تفصیل و ترکیب داده‌های حواس است، ولی فرشته صور ازلی و ابدی اشیا را در لوگوس (کلمه الهی) رؤیت می‌کند. با این‌که همه چیز برای فرشته در یک "آن" بسیط حضور می‌یابد، ولی علم او به انواع و اجناس محدود می‌شود و به ذات امور تعلق نمی‌گیرد.

توماس از فرشته به آینه‌ای روشن و مهذب تعبیر می‌کند که محل دریافت انوار الهی است. فرشتگان با علم به اسباب و علل کلی امور جزئی را می‌دانند.^{۲۱}

۶. جایگاه جهان شناختی فرشته

فرشتگان واسطه‌های فیض و خلقت‌اند. هر یک از آن‌ها حافظ و حامی یک نوع محسوب می‌شود و با نظارتی که بر اشیا دارند، افراد نوع را در مسیر تکاملی خود هدایت می‌کنند. توماس از قول فلاسفه می‌گوید که فرشتگان از روی عقل و اراده، افلاک را به حرکت درمی‌آورند. بنابراین، پیش‌گویی وقایع عالم با رصد کردن اجرام سماوی کاملاً موجه است، زیرا حرکت افلاک به واسطه فرشتگان و بر حسب عقل و تدبیر صورت می‌گیرد.^{۲۲}

۷. رابطه عقل و اراده در فرشته

اراده در فرشته یک میل عقلانی است که خبری از خشم و شهوت در آن نیست و تنها به خیر تعلق می‌گیرد. عقل فرشته با کارشکنی‌های حس محدود نمی‌شود. از سوی دیگر، فرشته عشق و اراده نامتناهی نیز دارد، زیرا اراده و عشق وجوهی از عقل‌اند. این در حالی است که اراده انسان گاه شر را به جای خیر می‌گیرد، زیرا بدن دارد و با خشم و شهوانیات روبروست. اراده انسان برخلاف فرشته به خیرهای جزئی معطوف می‌شود و کمتر می‌تواند یک چیز را به خاطر خودش دنبال کند.^{۲۳}

امکانات موجود در رساله برای مقایسه تطبیقی

۱. از نظر توماس فرشته بر همه مخلوقات تقدم بالشرف دارد و حتی از انسان نیز برتر است.^{۲۴} این در حالی است که در ادبیات الهی و عرفانی ما انسان می‌تواند از فرشتگان نیز فراتر برود، زیرا همه امکانات او به فعلیت رسیده است و به مجال عروج و تعالی دارد:

فرشته گر چه دارد قرب درگاه

نگنجد در مقام لی مع الله^{۲۵}

۲. روش دیالکتیکی توماس برای اثبات وجود فرشته با قاعده امکان اشرف^{۲۶} در فلسفه سهروردی قابل مقایسه است.

جامع علم کلام

با پشتیبانی

لویی شانزدهم

از لاتین به فرانسه

ترجمه می‌شود.

ترجمه انگلیسی اثری

که اکنون مورد

استناد ماست،

با کوشش گروهی از

کشیشان دومینیکی بریتانیا

در دوره معاصر

صورت گرفته است.

آن‌ها رساله‌های

توماس را

به دقت ترجمه و

تصحیح نموده‌اند و

تمام منابعی را

که مورد استفاده

نویسنده بوده است،

در پانویشت

آورده‌اند.

۳. ابن سینا می‌گوید که خداوند و حتی فرشته با علم به اسباب و علل کلی، امور جزئی را می‌شناسد، ولی توماس این نحوه از شناخت را به فرشته نسبت می‌دهد. می‌توان بین توماس و ابن سینا از نظر علم مقایسه‌ای ترتیب داد و وجوه اشتراک و افتراق آن را برشمرد.

۴. جایگاه جهان‌شناختی فرشته در فلسفه توماس و سهروردی قابل مقایسه است. از عبارات توماس چنین برمی‌آید که جایی برای عقول طولی در نظر نگرفته است و تنها از ارباب انواع سخن می‌گوید، ولی این نقیصه در فلسفه سهروردی دیده نمی‌شود.

۵. توماس از تمایزی که ابن سینا بین علل وجود و علل ماهیت می‌گذارد،^{۲۸} استفاده می‌کند و می‌گوید که فرشتگان فقط به علت فاعلی یا وجودی نیاز دارند. ابن سینا^{۲۹} و ملاصدرا^{۳۰} در این نکته متفق‌القولند که مبدعات مسبوق به ماده و مدت نیستند. به همین خاطر در معرض کون و فساد قرار نمی‌گیرند و وجود و عدم آن‌ها به اراده حق تعالی بستگی دارد.

پی‌نوشت

۱. Dominican از مهم‌ترین چهره‌های این فرقه آبرتوس کبیر آلمانی (۱۲۸۰-۱۲۰۰م) و توماس آکویناس ایتالیایی (۱۲۷۴-۱۲۲۴م) است که جهان‌بینی و عقلانیت مشائی را پذیرفتند. این فرقه در مقابل بیش افلاطونی و آگوستینی قرار می‌گیرد که مخصوص فرانسیسی‌هاست.
۲. تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، ص ۳۹۳
۳. Peter of Auvegne، فیلسوف و متکلم مسیحی متوفی در ۱۳۱۰م که از شاگردان توماس بوده است.
۴. Reginald de Piperno، از دوستان توماس در پاریس (متولد ۱۲۳۰م) که آثار او را بعد از مرگش جمع‌آوری می‌کند.

21. ST1, Q58, a2
22. ST1, Q56, a1
23. ST1, Q59, a3,4
24. ST1, Q61, a4

۲۵. گلشن راز، ص ۱۴، بیت ۱۲۰
۲۶. شیخ اشراق، ص ۱۴۹
۲۷. ابن سینا، ص ۳۹۳
۲۸. همان، ص ۲۵۶
۲۹. همان، ص ۲۹۸
۳۰. صدرالمتألهین، ص ۲۷۱

منابع

۱. ابن سینا (۱۳۷۵). اشارات و تنبیهات (۱). ترجمه و شرح حسن ملک‌شاهی. تهران: انتشارات سروش
۲. ایلخانی، محمد (۱۳۸۲). تاریخ فلسفه قرون وسطی و رنسانس. تهران: انتشارات سروش
۳. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۵۵). مجموعه مصنفات شیخ اشراق (ج ۳). به اهتمام سید حسین نصر و هانری کرین. تهران: انجمن حکمت و فلسفه
۴. شبستری، شیخ محمود بن عبدالکریم (۱۳۷۱). گلشن راز. به اهتمام احمد مجاهد و محسن کیانی. تهران: انتشارات ما و منوچهری
۵. صدرالمتألهین، محمد ابراهیم (۱۳۸۳). الشواهد البرویه. ترجمه و شرح جواد مصلح. تهران: انتشارات سروش
۶. کتاب مقدس. سفر پیدایش
7. Anselm of Conterbury. (1998). Proslodium. Oxford university
8. Aquinas, Thomas. (1947). Summa Theologica. tr by Fathers of the Dominican province. Petersburg: Benziger Bros
9. Aristotle. (1954). Fragments (vol of 12). david Ross. oxford
10. Kenedy, D.J. (1912). Thomas Aquinas in Catholic Encyclopedia, volume XIV (14). New York: Robert Appleton Company
- Available in: <http://www.newadvent.org/cathen/index.html>
5. Catholic Encyclopedia, Thomas Aquinas (vol of 14)
6. ST2, Q21, a1, 2, 3, 4
7. Catholic Encyclopedia, Thomas Aquinas (vol of 14)
8. ST1, Q1, a1
9. Proslodium, part: II
۱۰. توماس در این بخش به فراخور الهیات مسیحی، مسائل دیگری را مطرح و به آن پاسخ می‌دهد. مثلاً می‌پرسد که نحوه سخن گفتن فرشته و ارتباطی که با سایر فرشتگان و انسان‌ها برقرار می‌کند، به چه صورت است یا آیا از فرشته نیز معجزه سرمی‌زند و آیا می‌تواند هر طور که خواست در طبیعت دخل و تصرف کند...
11. Doctor of Angels
12. Fragments , part: 16
13. ST1, Q50, a1
14. ST1, Q50, a2
۱۵. برای مثال ن. ک به سفر پیدایش، ۷:۱۶؛ فرشته خداوند او (هاجر) را در بیابان یعنی چشمه‌ای که به راه شور است یافت و گفت: ای هاجر، کنیز سارا، از کجا آمدی و کجا می‌روی؟ گفت: من از حضور خاتون خود، سارا، گریخته‌ام.
16. ST1, Q51, a1
17. ST1, Q53, a2
18. ST1, Q53, a1
19. ST1, Q51, a1
20. ST1, Q54, a1, 2, 3, 4